

با سلام و تشکر از اینکه دعوت ما را پذیرفتید، خواهشمند است ضمن معرفی خود، نسبت خود را با ایثارگر بیان کنید.

من مریم السادات مرتضویان بابکی متولد ۳ اردیبهشت سال ۶۶ هستم . در یک خانواده ۵ نفره مذهبی بزرگ شدم فرزند اول خانواده هستم و دوخواهر کوچکتر از خودم دارم، پدرم آزاده هستند. تحصیلات ابتدایی را همانند بچه های دیگر در مدارس دولتی گذراندم سال اول راهنمایی در مدرسه تیزهوشان پذیرفته شدم ولی بعد پدرم صلاح دانستند که در مدارس نیمه دولتی ادامه تحصیل بدهم و از سال ۱۳۹۱ هم در این دانشگاه و در رشته پزشکی تحصیل مینمایم .

زمانی که دانشگاه قبول شدید چه احساسی داشتید ؟



خبر قبولی دانشگاه را دایم ام به من اطلاع دادند و رتبه ای که قبول شدم رتبه داخل سهمیه بود و من در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتم چون رتبه خودم با رتبه ای که پذیرفته شده ام خیلی متفاوت بود با وجود این که استادان و اعضای فامیل انتظار همین رتبه ای سهمیه ای را از من داشتند ولی من خودم خیلی راضی نبودم چون شرایط روز امتحانم خیلی بد بود و همین امر باعث شد استرس من زمان امتحان زیاد شود و رتبه ای که مد نظرم بود را نگیرم.

چگونه برنامه ریزی کردید که در این رشته و این

دانشگاه قبول شدید ؟

من از همان ابتدا دانش آموز درسخوانی بودم، در کلاس چهارم ابتدایی، دعوتنامه مدرسه تیزهوشان را دریافت کردم و به محض امتحان دادن قبول شدم. در آنجا هم همیشه جزو نفرات اول تا سوم بودم .

هنگامی هم که وارد مدرسه نیمه دولتی شدم آنجا هم درسخوان بودم به خاطر همین همه انتظار داشتند که مریم مرتضوی امتحان کنکور رو خیلی خوب بدهد.

از این همه مطالعه خسته نمی شدید ؟

نه من هیچ وقت از درس خواندن خسته نمی شوم و برایم عادت شده است و اگر یک روز درس نخوانم احساس بدی دارم و فکر میکنم وقتم به بطلت گذشته است.

برای رفع خستگیان چه کارهایی انجام می دادید ؟

من هیچ وقت برنامه ای برای رفع خستگی نداشتم چون تقریباً همیشه درس می خواندم و زمانی هم که درس نمی خواندم باز کتاب متفرقه می خواندم یعنی بازهم کتاب و درس بود من برای تفریح هم مطالعه می کنم .

انگیزه اصلی شما در انتخاب این رشته و ورود به دانشگاه چه بوده است ؟

به نظر من کسی که رشته پزشکی را انتخاب می کند باید ادامه تحصیل بدهد چون دکترای عمومی به تنهایی خیلی کاربرد ندارد. من از اول قصد قبول شدن در رشته پزشکی را نداشتم و بیشتر به رشته های علوم پایه مثل ژنتیک، زیست شناسی سلولی و ملکولی علاقه داشتم و وقتی در کنکور قبول شدم و با رتبه ای که کسب کردم می توانستم رشته های داروسازی، دندانپزشکی یا پزشکی را انتخاب کنم حتی از مشاور هم کمک گرفتم و علی رغم توصیه های مشاور و مادرم رشته پزشکی را انتخاب کردم، چون دوست داشتم رشته ای را انتخاب کنم که همه جانبه باشد و علت انتخابم هم همین بود ولی در حال حاضر از رشته پزشکی راضی نیستم زیرا از نظر من همه جانبه نیست و خیلی تک بعدی است. حجم سنگین کتاب ها و گسترده بودن این رشته باعث شد انتظاراتی که من از این رشته داشتم برآورده نشود، بخش عمده رشته پزشکی خواندنی و **passive** است و خیلی به فیزیک و شیمی و داروسازی وابسته است و به نظر من خیلی از فیزیکدانان و ریاضیدانان به پیشرفت علم پزشکی کمک کرده اند.



خاطره جالبی از دوران دبیرستان و کنکور که موجب شد شما مصمم تر و بدون وقفه به تلاش خود ادامه دهید به خاطر دارید؟

خاطره جالبی ندارم فقط ۱۴ روز در کلاس کنکور شرکت کردم و آنجا معلم فیزیکی داشتیم که مرا خیلی تشویق می کرد و رتبه و ترازم را پیگیری بود و آن روزها خیلی به من اطمینان می دادند که حتما در رشته پزشکی قبول می شوم.

خانواده چه نقشی در موفقیت شما داشتند؟

پدرم هیچ وقت روی رشته خاصی اصرار نداشتند ولی مادرم از همان اول دوست داشتند رشته داروسازی را انتخاب کنم.

الان که دانشگاه قبول شدید و دوره دبیرستان و کنکور را پشت سر گذاشته اید آیا به ادامه تحصیل در این رشته یا رشته ی دیگر فکری کنید؟

انگیزه من برای رسیدن به جاهای بالاتر همیشه در وجودم زنده بوده و هست. چون من هیچ وقت آدمی نبودم که در یک نقطه بایستم و دوست ندارم زندگی ام تک بعدی باشد ولی اگر قرار است به جاهای بالاتری دست پیدا کنم، نمیخواهم فقط در این رشته باشد زیرا من به هنرم خیلی علاقه دارم و نقاشی می کنم و دوست دارم در این زمینه هم فعالیت خود را ادامه بدهم. به ادامه تحصیل هم فکر میکنم چون احساس می کنم خیلی چیزها راهنوز یاد نگرفته ام ولی میدانم اگر به خودم مطمئن باشم و اعتماد به نفسم بالا باشد به امید خدا به همه چیزهایی که دوست دارم خواهم رسید.

حضور در کلاس تا چه میزان در جهت رسیدن شما به موفقیت موثر است و اصولا یادداشت برداری در زمان برگزاری کلاس چه فایده هایی دارد؟

من در کلاس هم یادداشت برداری میکردم هم نمیکردم. ولی اغلب اوقاتی که از این روش استفاده میکردم واقعا جواب می داد و مطالب را بهتر می فهمیدم ولی خیلی اوقات هم شرکت در کلاس مفید نبود به خاطر دارم که به کلاس باکتریولوژی علاقه داشتم همه کلاس ها

را شرکت می کردم ولی امتحان باکتری را خوب ندادم علی رغم اینکه خیلی این درس را دوست داشتم ولی معتقد هستم اگر در طول ترم بیشتر و بهتر مطالعه کنیم در آن درس موفق تر خواهیم بود .

چه توصیه هایی برای دانشجویان دارید؟

در یک کلمه زندگی کنند ، همه وقتشان را برای درس نگذارند چون خدا یک بار انسان را آفریده و یک بار هم فرصت زندگی به ما داده ، پس بهتراست طوری برنامه ریزی کنند که بتوانند هم درس بخوانند هم به تفریحات سالم برسند .

چه برنامه های تفریحی برای خود دارید؟ آیا ورزش

هم میکنید؟

به ورزش علاقه دارم و ورزش می کنم سالهای اول به کلاس نقاشی هم میرفتم ولی از زمانی که درس هایم زیاد شد نتوانستم ادامه بدهم .

در کدام قسمت دانشگاه روش تحقیق را تدریس

میکند؟ آیا برای دانشجویان هم متمرکزم است؟

در مرکز استعدادهای درخشان این روش آموزش داده میشود ، من در این کلاس ها هم شرکت کرده ام ، بد نیست ولی خوب خیلی هم عالی نیست چون از طریق مدرس آموزشی داده نمیشود خود دانشجویان مطالب را به هم یاد می دهند و یاد میگیرند ولی در کل بد نیست .

چه معیارهایی برای انتخاب دوست دارید؟

من دوستی با همه نوع شخصیتی را تجربه کرده ام . اغلب آنها کسانی بودند که من در کنار آنها احساس آرامش داشتم خوشبختانه آنها باعث شدند که من نلغزم، دوستانم از قشرهای مختلفی بودند همه آنها را دوست داشتم و دارم و بهترین خاطرات زندگی ام مربوط به دوستانم می شود .

دوستانان چه تاثیری در روند موفقیتتان داشتند؟

دوستانم همیشه حامی من بودند بخصوص دوستی داشتم که خیلی دختر خوبی بود و آن زمان که درالمپیاد شرکت می کردیم از مدرسه باهم به خانه می آمدیم و درس می خواندیم و خیلی کمک حال من بود و این روش درس خواندن باعث شد مرحله اول المپیاد را شرکت کنم و قبول شوم

به عنوان فرزند آزاده چه انتظاراتی از جامعه دارید؟

همه انتظاراتی که جوان ها از جامعه دارند من هم دارم ولی چون جو خاصی وجود دارد فقط می دانم اگر خودشان هم چنین موقعیتی را داشتند از این امتیاز استفاده می کردند. در همه دنیا رسم بر آن است که عده ای اگر خدمتی به جامعه بکنند امتیازی را برای آنها در نظر گرفته میشود همانطور که بچه های هیئت علمی از این امتیاز استفاده می کند در صورتی که پدر خانواده بالای سرشان بوده



وامکانات همه جوره برایشان فراهم بوده ولی یک فرزند آزاده و شهید، همیشه نبود پدر را احساس کرده است. من معتقدم بچه ها باید جرات داشته باشند و از حقشان و امتیازی که به آنان تعلق گرفته دفاع کنند و به موازات آن سعی کنند انتظارات جامعه از خودشان را برآورده سازند.

از خاطرات پدرتان در مورد دفاع مقدس برایمان بگویید؟ این خاطرات چه تاثیری در روند زندگی شما گذاشته است؟

بعضی اوقات یک سری خاطرات از دوران زندان تعریف می کردند و حتی گاهی می خواستند خاطراتشان را به صورت مکتوب درآورند، من کلا به کسانی که در جنگ شرکت کردند ارادت خاصی دارم، برای شهدا احترام خاصی قائل هستم به خاطر اینکه از جانشان گذشتند و رفتند. اگر دیگران هم این مسئله را که کسانی بودند که رفتند و شهید شدند و این کشور روی خون آنها بنا شده را بپذیرند خیلی راحت تر با مسائل کنار می آیند و کمتر احساس دلزدگی می کنند.

کلام آخر اگر پیامی برای ما دارید بفرمایید؟

می خواهم برایتان یک بیت شعر بخوانم

عشق می ورزم و امید که این فن شریف
چون هنرهای دگر مایه حرمان نشود

با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.